

مبانی حقوقی و فلسفی حریم خصوصی بر اساس منابع اسلامی

نویسنده: محمد محسن موسوی^۱

چکیده

تاریخ نشان دهنده آن است که مبانی حقوقی و فلسفی حریم خصوصی تا چه اندازه یی مورد حمایت از منظر دانشمندان و صاحب نظران قرار گرفته است. اصطلاح حریم خصوصی در مباحث انسان شناسی و جامعه شناسی نشان میدهد که در فرهنگها و جوامع گوناگون، حریم خصوصی همواره یک امر ارزشمندی بوده و مورد حمایت واقع میشده است؛ ولی با این حال تعریف، برداشت، توصیف و مفهومی واحد و یک شکل از آن از طرف نظریه پردازان، حقوق دانان و صاحب نظران بیان نشده است و این به خاطر تفاوت فرهنگها^T تغییرات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در جوامع در طی تاریخ و نیز تفاوت در نوع نگاه و نگرش به این حق و نقش و جایگاه آن در جوامع بوده است؛ به طوری که مصادیق و قلمرو خلوت و حیطه خصوصی از فرهنگی به فرهنگ دیگر و از جامعه یی به جامعه دیگر و همین طور از زمانی به زمان دیگر فرق میکند. حق بر حریم خصوصی ارتباط عمیق و تنگاتنگی با حرمت، حیثیت، کرامت، شخصیت، توسعه ارتباطات شخصی، کنترل اطلاعات شخصی

۱- دانشجوی دوره ماستری دانشگاه خاتم النبیین (ص) رشته حقوق بین الملل.

محرمانه، توسعه خود مختاری شخصی و دیگر ارزشهای ارزشمند بشری دارد که برای حفظ این ارزشها ملزم به شناخت یک مکان خلوت و خصوصی برای انسانها هستیم.

واژه های کلیدی: حریم خصوصی، حق خلوت، مبانی حقوقی، مبانی فلسفی.

مقدمه

حریم خصوصی را به عنوان قلمروی از زندگی هر فرد میدانند که انتظار میرود دیگران بدون رضایتش به آن قلمرو وارد نشوند یا به اطلاعات آن قلمرو دسترسی نداشته باشند. منازل و اماکن خصوصی، جسم افراد، اطلاعات شخصی و ارتباطات خصوصی از مهم ترین عرصه های حریم خصوصی میباشند. حال اگر انسان در جزیره یی دور دست، تک و تنها و به دور از هموعان خود زندگی میکرد، شاید نیازی به شناسایی حق، وظیفه و تکلیف برای وی احساس نمیشد؛ ولی واقعیت این است که انسان در اجتماع زندگی میکند و زندگی در اجتماع ایجاب مینماید که حق، تکلیف و وظیفه یی برای هر یک از افراد جامعه شناسایی شود؛ چون اگر غیر از این باشد بی نظمی، هرج و مرج، کشمکش، استبداد، بی اعتمادی و سکون و ناملايمات دیگر بر اجتماع حاکم خواهد شد؛ بنابراین شناسایی حق برای افراد در اجتماع نه تنها ضروری، بلکه لازم میباشد؛ از این رو است که حق جایگاه ارزشمندی در بین مباحثات حقوقی، سیاسی و اجتماعی دارد و آن را در دانش حقوق به عنوان قطب و پایه تمام بحثها و همزاد عدالت شمرده اند. یکی از حقوق اساسی بشر که وی را در مقابل تعرضات دیگران حق به زندگی خصوصی اش و نیز مداخلات ناروای دولتها مورد حمایت قرار میدهد است. امروزه جایگاه ویژه یی در مباحثات حقوقی و سیاسی دنیا دارد؛ به طوری که همواره به عنوان یکی از نمودهای حقوق بشر در عصر حاضر مطرح بوده و هست. در نظام حقوقی یک کشور از دو منظر قابل بررسی است. یکی از منظر حمایتی، یعنی میتوان با جرم انگاری رفتارهای ناقض این حق و نیز اقدامات قضایی به مقابله با کسانی پرداخت که زندگی خصوصی و خلوت شهروندان را مورد تعرض قرار میدهند. دیگری از منظر مداخله و تهدید، یعنی دولت ممکن است در قلمرو خلوت و حریم خصوصی شهروندان اقدام به مداخله، ایجاد محدودیت و جرم انگاری در برابر اختیار و انتخاب آنها نماید یا ممکن است این حریم توسط مقامات کیفری و امنیتی در راستای کشف و تحقیق جرایم مورد نقض و تعرض قرار گیرد یا حتی ممکن است پیشگیری از وقوع جرم یا حفظ نظم اجتماعی، اخلاقی، بهداشتی و سیاسی موجبات دخالت در خلوت و زندگی خصوصی شهروندان را

فراهم کند. مقاله حاضر با توجه به موارد فوق سوالات ذیل را مطرح مینماید.

الف: مفهوم حق بر حریم خصوص در نظامهای حقوقی چیست و قلمرو حمایتی آن تا گجاست؟

ب: مبانی حقوق و فلسفی حریم خصوصی در نظامهای حقوقی آیا به عنوان یک حق مطلق مورد شناسایی قرار گرفته است؟

فرض بر این است که مفهوم حریم خصوصی افراد در میان دیدگاه صاحب نظران و اندیشمندان از مبانی و منابع متعددی برخوردار است. با موجودیت مبانی و منابع موجود می توان حکمی را به دست آورده و در راستای آن جلو هر گونه تعرض و تجاوز غیر قانونی و غیر مجاز را بر حریم خصوصی افراد گرفت.

ضرورت نوشتن مقاله ناشی از این میشود که ابعاد و زوایای گوناگون آن در جامعه ملل به طور جدی مورد ارزیابی قرار گیرد و درحوزه حقوق و آزادیها کار کرد مثبت داشته باشد. آن وقت میتوان حقوق حریم خصوصی افراد را در تمامی جوامع بشری مورد حمایت قانونی قرار داد و جلو هر گونه تعرض به حریم خصوصی افراد را گرفت و هم در عمل به نحوی آرامش و امنیت جامعه و خانواده ها را حفظ نمود.

الف: قرائتهای متفاوت از مفهوم حریم خصوصی

۱- حریم خصوصی

با آنکه عبارت حریم خصوصی در زبان محاوره و نیز مباحث فلسفی، سیاسی و حقوقی مکرر استعمال میشود؛ ولی هنوز تعریف مدون و مشخصی از آن ارائه نشده است. مفهوم حریم خصوصی، ریشه های عمیقی در مباحث جامعه شناختی و انسان شناختی دارد که نشان میدهد چگونه در فرهنگهای مختلف برای آن ارزش قایل شده اند. حریم خصوصی مفهومی است سیال که امروزه از جمله آزادی وجدان و اندیشه، کنترل بر جسم خود، داشتن خلوت و تنهایی در منزل و مکان خصوصی، کنترل بر اطلاعات شخصی، رهایی از نظارتهای سمعی و بصری دیگران، حمایت از حیثیت و اعتبار خود و حمایت در برابر تفتیشها، تجسسها و رهگیریها را شامل میشود. حق حریم خصوصی، حق زندگی کردن است با میل و سلیقه خود و با حد اقل مداخله و ورود دیگران؛ به دیگر سخن، حقی است که بر اساس آن افراد میتوانند تعیین کنند که دیگران تاچه اندازه میتوانند به لحاظ کمیت و کیفیت، اطلاعاتی در باره آنان داشته باشند (انصاری، ۱۳۸۶: ص ۱۱). امروزه دو رویکرد متفاوت در مورد هویت استقلالی حریم خصوصی وجود دارد:

۱- برخی با نظر شکاکانه و انتقادی، حق حریم خصوصی را مورد مطالعه قرار میدهند، مهم ترین ادعای این افراد، آن است که حق مستقلی به نام حق حریم خصوصی و جدا وجود ندارد و حق مذکور مفاد و موضوع تازه‌ی ندارد و حاوی مطلب خاصی هم نیست؛ زیرا میتوان هر امری را که به عنوان امر خصوصی مورد حمایت حق حریم خصوصی قرار میگیرد در قالب دیگر نفع یا حق به ویژه حق تمامیت جسمی مورد حمایت قرار دارد. از این گروه به تحویل گرایان یاد میشود. در فرانسه، آلمان و سایر کشور های عضو خانواده حقوقی «حقوق نوشته» این گرایش غلبه دارد.

۲- بسیاری از نظریه پردازان بر این باورند که حریم خصوصی، مفهومی مستقل و جدا از سایر حقوق فردی است. این گرایش در انگلستان و امریکا و سایر کشور های عضو خانواده حقوقی «کامن لا» غلبه دارد. اینان تعریف مختلفی از حریم خصوصی ارائه کرده اند که این تعاریف را میتوان در شش دسته کلی آورد:

۱. حریم خصوصی عبارت است از حق تنها ماندن؛
 ۲. حریم خصوصی، یعنی دسترسی محدود دیگران به انسان و توانایی ایجاد مانع در برابر دسترسیهای ناخواسته و ناخوانده به انسان؛
 ۳. حریم خصوصی، یعنی محرمانگی و پنهان ساختن برخی امور از دیگران؛
 ۴. حریم خصوصی، یعنی کنترل بر اطلاعات شخصی؛
 ۵. حریم خصوصی، یعنی حمایت از شخصیت و کرامت؛
 ۶. حریم خصوصی، یعنی حق بر عالم صمیمیت و کرامت انسانها.
- برخی از این تعاریف و برداشتها بر افاده مفهوم حریم خصوصی به وسیله‌ی متوسط شده اند و به باور برخی به هدف بین این برداشتها تداخل و هم پوشانی نیز وجود دارد؛ برای مثال، کنترل بر اطلاعات شخصی برابر است با محدود ساختن دسترسی دیگران به انسان؛ بنا بر این، برداشتهای مذکور برای نشان دادن نظریه‌هایی است که در باره حریم خصوصی ارائه شده اند (انصاری، ۱۳۸۶: ص ۱۳).

۲- حریم خصوصی در منابع اسلامی

دین اسلام به عنوان یکی از بزرگترین ادیان جهان اهتمام ویژه‌ی به حریم خصوصی انسانها دارد؛ از این رو، مواردی همچون سوءظن، تجسس، غیبت، تهمت، قذف و... که حریم زندگی خصوصی مردم را با خطر رو به رو میسازند حرام کرده است. قرآن کریم نیز که به عنوان قانون اساسی برای

هدایت بشری شناخته میشود، در آیات متعددی در باره لزوم رعایت حریم خصوصی افراد به صراحت سخن گفته است. دیدگاه اسلام در خصوص حریم خصوصی از سه منظر بررسی میشود:

۱. قرآن کریم

ممنوعیت گمان بد، تجسس و غیبت در قرآن؛

«یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیراً من اظن ان بعض الظن اثم ولا تجسسوا ولا تغتب...» ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیاری گمانها دوری کنید؛ زیرا بعضی گمانها گناه است و تجسس نکنید و بعضی از شما دیگری را غیبت نکنید...» (حجرات / ۱۲). در بخش نخست این آیه مترصد بیان این معناست که اگر در باره کسی ظن بدی به دلت وارد شد آن را نپذیر و به آن ترتیب اثر مده. در بخش دوم این آیه پیگیری و تفحص از امور مردم را منع میفرماید، اموری که مردم عنایت دارند، پنهان بماند و شخص آنها را پیگیری کند تا خبر دار شود. در بخش سوم از بیان عیوب دیگران در غیاب آنها انذار میکند؛ بنا بر این این آیه میتواند دلیلی باشد بر فبح نظر به حریم خصوصی افراد در همه حال آن اعم از صوت و تصویر و کتابت (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۸، ص ۳۲۳).

۲. روایات

۱. پیامبر اکرم (ص) میفرماید: «ای گروه کسانی که به زبان ایمان آورده اید و ایمان در قلب شما خلوص نکرده است به جست و جوی پوشیده های مؤمنان مباشید، که هرکس به جست و جوی پوشیده های مؤمنان برخیزد، خدا به جست و جوی پوشیده های خود او میپردازد، و هرکس که خدا پوشیده های او را جست و جو کند رسوا خواهد شد، و لو در خانه خودش» (همان: ج ۲، ص ۳۵۴).

۲. امام علی (ع) «کار برادرت را به بهترین وجه توجیه کن تا آن گاه که یقین حاصل کنی که چنین نبوده است و به کلمه یی که از دهان برادرت بیرون میآید در صورتی که محمل خوبی برای آن وجود دارد، گمان بد مبر» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۳۶۲).

۳. فطرت

برخی از اندیشمندان معتقدند که داشتن حریم خصوصی نیاز فطری است که ضرورت آن بدون استدلال عقلی و از طریق شهود درک میشود، تحقیقاتی که برخی انسان شناسان انجام داده اند، مؤید همین امر است (انصاری، ۱۳۸۶: ۴۰). با این توضیح که اصرار به حفظ حریم خصوصی به دلیل حیای فطری است که انسانها در نهاد خویش دارند. حیا اقتضا میکند که بعضی از امور شرعی و جایز، پنهانی و در خلوت به وقوع بپیوندد؛ بنابراین لزوم حفظ حریم خصوصی به جهت حفظ حیای فردی و

اجتماعی آشکار است.

۴. دلیل عقل

برخی از نویسندگان، حریم خصوصی و صیانت از آن را از مستقلات عقلی میدانند؛ زیرا عقل، تجاوز به حریم خصوصی اشخاص و افشای اطلاعات و عیوب آنها را ظلم و قبیح میداند. به استناد قاعده «ملازمه عقل و شرع» هر آنچه را که عقل ظلم و قبیح میداند شرع نیز آن را قبیح و حرام می‌شمارد. بعضی از فقها در این باره معتقدند: «چگونه ممکن است عقلاً و شرعاً آنچه از میان رفتن ارزش مؤمن و از چشم مردم افتادن او میشود، اشکالی نداشته باشد» (انصاری، ۱۴۲۸: ج ۱، ص ۳۴۵)؛ بنابراین شرع مقدس اسلام نیز تجاوز به حریم خصوصی اشخاص و افشای اطلاعات و عیوب را قبیح و حرام می‌شمرد (قنوتی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۵). با مذاقه در منابع اسلامی معلوم میشود که حمایت از حریم خصوصی و پرهیز از نقض مصادیق آن در حقوق اسلامی پیشینه‌ی طولانی دارد. این امر پیش از آنکه در غرب و کنوانسیونها و اسناد بین‌المللی حقوق بشر پیشینی شود، در منابع اسلامی بسیار تأکید شده است. البته نباید این نکته را در متون اسلامی استعمال «حریم خصوصی» از نظر دور داشت که اصطلاح نشده است؛ چرا که موضع اسلام در مواجهه با مقوله حریم خصوصی یک موضع تحویل‌گرایانه است؛ بدین معنا که از ماهیت و محتوای حریم خصوصی در قالب احاله به حقوق و آزادیهای دیگر مثل حق مالکیت، آزادی از تجسس و تعرض ناپذیر بودن حقوق مربوط به شخصیت انسان حمایت شده است (انصاری، ۱۳۸۶: ص ۱۱).

۳- حریم خصوصی در منابع حقوقی

مطالعات تاریخی نشان میدهد که در جوامع غربی ظهور فرد انسانی به عنوان موجودی مستقل و برخوردار از حقوق و آزادیهای ذاتی به دوران رنسانس و روشنگری بر میگردد. در یونان و روم در تمامی قرون میانه، فرد انسانی در پس نظامات سیاسی، اجتماعی، شبه دینی و فلسفی قرار داشت و امکان ظهور پیدا نکرد. در عصر رنسانس بر مفهوم اومانیسم تأکید شد؛ اما تنها با شروع قرن هفدهم و ریزش بنای تاریک جهان بینی قدیم و ورود به عصر جدید و بعد از آن در قرن هجدهم در چهار چوب جنبش روشنگری بود که فرد انسانی از پس نظامات سیاسی، اجتماعی، شبه دینی و فلسفی سر برآورد؛ بدین سان، تحولات سیاسی در کشور های غربی سبب شده است که حریم خصوصی اهمیت

یابد و اضافه شدن تحولات فناورانه، اهمیت این حریم را چندین برابر ساخته است؛ به گونه‌ای که در این کشورها مطالعات بسیاری در باره مفهوم، قلمرو و ساز و کارهای حمایت از حریم خصوصی در کشور های غربی صورت گرفته است.

حریم خصوصی در قوانین داخلی

۱. حریم خصوصی در انگلستان: قوانین کشور انگلستان در مورد حریم خصوصی به عناوین ذیل پرداخته است.

الف: ورود غیر مجاز به ملک غیر

چنانچه شخص بدون داشتن هر گونه توجیهی وارد ملک دیگری شده باشد، در زمین او مانده باشد یا شیئی را در آن راه داده باشد می‌توان بر مبنای خطای مذکور علیه وی طرح دعوا کرد. اقامه دعوی مذکور از جانب مالکین اموال غیر منقول در صورتی مجاز است که ورود غیر مجاز، متضمن تعدی فیزیکی یا مادی باشد؛ برای مثال: اگر شخصی برای جمع آوری اطلاعات یک وسیله سمعی را در مستغلات خصوصی دیگران نصب کند یا کارکنان شبکه تلویزیونی با دوربینهای فیلم برداری و تصویر برداری و بدون داشتن اجازه صریح یا ضمنی به مستغلات یک شخص وارد شود می‌توان دعوی مذکور را طرح کرد.

ب: افشای راز

اگر شخص «الف» بر مبنای اعتماد اطلاعاتی در باره زندگی خصوصی خود به شخص «ب» بدهد. افشای غیر مجاز این اطلاعات به دیگران از طرف شخص «ب» نقض وظیفه راز داری است؛ بدین سان افشای اطلاعاتی که در نتیجه اعتماد زناشویی به دست آمده است میتواند سبب طرح دعوی نقض اعتماد شود. برای برنده شدن در دعوی مذکور تحقق سه شرط ضروری است:

۱- ماهیت اطلاعات افشا شده باید به گونه‌ای باشد که بتوان گفت تنها بر مبنای اعتماد به دیگران انتقال می‌یابد.

۲- اطلاعات افشا شده باید در اوضاع و احوالی که متضمن تکلیف به اعتماد راز داری هستند در اختیار دیگران گذاشته شده باشد.

۳- باید از اطلاعات به ضرر شخصی که اطلاعات را در اختیار دیگری گذاشته است استفاده غیر مجاز صورت گرفته باشد.

۲. حریم خصوصی در جمهوری فدرال آلمان

ماده ۱۰ قانون بنیادین آلمان میگوید:

الف: تعرض به حریم خصوصی نامه ها، پستها و ارتباطات از راه دور ممنوع است.

ب: تنها به حکم قانون میتوان محدودیتهایی را پیش بینی کرد.

قانون ۱۰-G قانون دیگری در زمینه حریم خصوصی در آلمان.

قانون مهم دیگری که در آلمان فدرال در زمینه حریم خصوصی وجود دارد قانون ۱۰-G است که محدودیتهایی را بر محرمانه بودن برخی ارتباطات تحمیل میکند. قانون مذکور در سال ۲۰۰۱ اصلاح شد تا ارائه دهندگان خدمات اینترنتی را ملزم سازد که وسایل و امکانات لازم را برای کنترل داده ها و خطوط صوتی در اختیار مقامات مجری قانون قرار دهند (انصاری، ۱۳۸۶: ص ۱۰۸).

۳. حریم خصوصی در افغانستان

حریم خصوصی همان طور که در قوانین داخلی کشور مورد تأکید قرار گرفته است قانون اساسی افغانستان این موضوع را نیز مورد حمایت قرار میدهد.

ماده ۳۷ قانون اساسی: «آزادی و حریمت مراسلات و مخابرات اشخاص چه به صورت مکتوب باشد و چه به وسیله تلفون، تلگراف و وسایل دیگر از تعرض مصون است. دولت حق تفتیش مراسلات و مخابرات اشخاص را ندارد؛ مگر مطابق به احکام قانون».

ماده ۳۸ قانون اساسی: «مسکن شخص از تعرض مصون است. هیچ شخص به شمول دولت نمیتواند بدون اجازه ساکن یا قرار محکمه با صلاحیت و به غیر از حالات و طرزی که در قانون تصریح شده است به مسکن شخص داخل شود یا آن را تفتیش نماید. در مورد جرم مشهود مأمور مسؤول می تواند بدون اجازه قبلی محکمه به مسکن شخص داخل شود یا آن را تفتیش کند. مأمور مذکور مکلف است بعد از داخل شدن یا اجرای تفتیش در خلال مدتی که قانون تعیین میکند قرار محکمه را حاصل نماید».

۲. حریم خصوصی در اسناد بین الملل

حریم خصوصی یک اصطلاح نوظهور در نظام حقوقی جهان است که بیش از یک سده از طرح آن در عرصه بین المللی نمیگذرد با این حال اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد از حریم مکانی و ارتباطی در سطح بین الملل حمایت میکند.

۳-۲-۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر ماده ۱۲ «هیچ کس نباید در معرض مداخله خودسرانه در زندگی شخصی، خانواده، خانه یا مکاتبات خود قرار گیرد و یا این که شرف و آبروی او مورد تعرض قرار

گیرد. هرکس حق دارد که از حمایت قانون در برابر چنین مداخله‌ها و تعرضهایی بر خور دار گردد.» به موجب ماده ۱۲ این اعلامیه که به حقوق بنیادی فرد مربوط است بیان میدارد که آحاد بشر حق ندارند از یک زندگی خصوصی که دور از مزاحمت دیگران باشد متمتع شوند (صفایی، ۱۳۷۰: ص ۵۴).

۲. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز با بیانی مشابه حفظ حریم خصوصی افراد انسانی را تبیین و به حمایت قانون در موارد نقض آن اذعان کرده است. ماده ۱۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی تصریح میدارد: هیچ کس نباید در زندگی خصوصی و خانواده و اقامتگاه یا مکاتبات مورد مداخلات خودسرانه یا خلاف قانون قرار گیرد و هم چنین شرافت و حیثیت او نباید مورد تعرض غیر قانونی واقع شود.

هر کس حق دارد در مقابل این گونه مداخلات یا تعرض از حمایت قانون بر خور دار شود.

۳. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مقرر میدارد:

۱. «هرکس نسبت به حریم زندگی خصوصی و خانوادگی، منزل و ارتباطات خود واجد حق

است.»

۲. «مقامات دولتی حق هیچ گونه مداخله در اعمال حق مذکور را ندارند؛ مگر مطابق با احکام و قوانین و در صورتی که مداخله آنها در چارچوب جامعه مردم سالار برای امنیت ملی، سلامت عمومی یا رفاه اقتصادی کشور، پیشگیری از بی نظمی یا جرم، حمایت از بهداشت و اخلاق یا برای حمایت از حقوق و آزادیهای دیگران ضروری باشد.»

۴. اعلامیه اسلامی حقوق بشر

اعلامیه اسلامی حقوق بشر با تأکید بر خلیفه الله بودن انسان و نبود برتری افراد بر یکدیگر به جز در تقوا با عباراتی جامع و فراگیر بر حمایت از زندگی شخصی و حریم خصوصی انسان تأکید کرده است.

ماده ۶ بند الف: «درحیثیت انسانی، زن با مرد برابر است و به همان اندازه که زن وظایفی دارد، از حقوق نیز بر خور دار است و دارای شخصیت مدنی و ذمه مالی مستقل و حق حفظ نام و نسبت خویش را دارد.

ماده ۱۸ بند الف: «هر انسانی حق دارد که نسبت به جان و دین و خانواده و ناموس و مال خویش، در آسودگی زندگی نماید».

بند ب: «هر انسانی حق دارد که در امور زندگی خصوصی خود استقلال داشته باشد و جاسوس یا نظارت بر او و مخدوش کردن حیثیت او جایز نیست و باید از او در مقابل هر گونه دخالت زور گویانه در این شئون حمایت شود».

بند ج: «مسکن در هر حالی حرمت دارد و نباید بدون اجازه ساکنین آن یا به صورت غیر مشروع وارد آن شد، و نباید آن را خراب یا مصادره کرد یا ساکنینش را آواره نمود.» خلاصه این ماده در بند الف از ماده ۱۸ از حقوق انسانها میخواند، افزون بر آن، استقلال و عدم دخالت را در زندگی خصوصی نیز در بند ب همین ماده از حقوق وی ذکر میکند؛ سپس در بند ج مسکن انسان را دارای حرمت شناخته و ورود بدون اجازه را در آن ممنوع می شمارد.

۵- حق خلوت

۱.. مفهوم حق خلوت: حق خلوت اصطلاحی است که به صورت مکرر در محاورات عامیانه و هم چنین در مباحث حقوقی، سیاسی و فلسفی مورد استفاده قرار میگیرد. نگاهی تاریخی به این اصطلاح در مباحث انسان شناسی و جامعه شناسی نشان میدهد که در فرهنگها و جوامع گوناگون همواره ارزشمند بوده و مورد حمایت واقع میشده است؛ ولی با این حال تعریف، برداشت، توصیف و مفهومی واحد و یک شکل از این اصطلاح هنوز به دست نیامده است و این به خاطر تفاوت در فرهنگها، تغییرات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در جوامع در طی تاریخ و نیز تفاوت در نوع نگاه و نگرش به این اصطلاح و نقش و جایگاه آن در جوامع بوده است؛ به طوری که مصادیق و قلمرو خلوت و حیطه خصوصی از فرهنگ به فرهنگ دیگر و از جامعه یی به جامعه یی دیگر و از زمانی به زمان دیگر فرق میکند. واژه خلوت در فرهنگهای لغت فارسی به معنای تنهایی گزیدن، تنها شدن، جای خالی از اغیار، تنهایی و جای تنهایی آمده است. (معین، ۱۳۸۲: ص ۶۲۴؛ عمید، ۱۳۸۱: ص ۵۶۳). «خلوت و حیطه خصوصی» معادل واژه «Privacy» در انگلیسی است که در دو معنی به کار رفته است.

الف: موقعیت تنها بودن یا بدون مزاحم.

ب: آزادی از مداخله یا نظارت و توجه عمومی.

حق خلوت از منظر دانشمندان

۱. بام: حق خلوت آدمیان متضمن یک پناهگاه امن یا منطقه حفاظت شده برای آدمیان است که مردم در آن میتوانند از بازرسی دقیق و مو شکافانه و احتمالاً نکوهش در باره امور شخصی خود رها و آزاد باشند (نیس بام، ۱۳۸۱: ۱۹۹-۱۹۸). تعریف مزبور شناسایی حق خلوت را در واقع شناسایی یک پناهگاه امن و یک خود مختاری برای انسان تصور میکند که افراد بشر در این پناهگاه معمولاً از تعرض، دخالت، بازرسی و نقد دیگران مصون میباشند؛ بر اساس این تعریف هیچ کس حق تفتیش بازرسی و اظهار نظر در باره رویدادهایی را که در حیطه خصوصی واقع میشود و مربوط به خود شخص و زندگی خصوصی وی است، ندارد. البته بایستی استثنائاتی را بر این نظریه وارد کرد و اظهار نظر و بازرسیهایی را که به حکم قانون یا به خاطر برخی ضرورت‌های اجتماعی و مصالح مهم جامعه انجام میگیرد، پذیرفت.

۲. وارن، براندیس و استون: از حق خلوت به عنوان یک اصل نام میبرند که نوشته‌ها و آثار معنوی، افکار و احساسات شخص را محافظت کرده و حق داشتن یک چارچوب بدون دخالت را به افراد بشر اعطا میکند تا اظهارات، گفته‌ها و اعمال آنها در این چارچوب مشخص مصون از تعرض بوده و مورد حمایت قانون واقع میشود. این دیدگاه میخواهد حاکمیت فرد بر احساسات، روان و افکارش را به رسمیت بشناسد و قانون را وادار به حمایت از افراد در برابر تعرضات به روان، حیثیت، احساسات و افکار آنان نماید؛ به عبارت دیگر این نظریه حقوق معنوی اشخاص و نیز عواطف و احساسات، شخصیت و منش فرد را در برابر تعرضات و فضولیهای دیگران مورد حمایت قرار میدهد. حق زندگی در خانه خود، بدون نگاه مزاحم دیگران و حق بودن در یک اتاق خصوصی بی آنکه شخص مزاحمی بتواند وارد آن شود (استون، ۱۳۵۰: ۱۹۴).

۳. حق خلوت از منظر کنفرانس استکهلم

در قطعنامه کنفرانس استکهلم در سال ۱۹۶۷، حق خلوت عبارت است از حق یک شخص که آزادانه و با حد اقل دخالت، آن طور که میل دارد، میتواند زندگی بکند. در این قطعنامه آمده است: «حق فرد بشر است که زندگی بکند آن طور که قصد دارد و حمایت شود در مقابل» و حسب ذیل میباید:

الف: هرگونه مداخله در زندگی خصوصی خانوادگی و داخلی او؛

ب: هرگونه تعرض به سلامت جسمی یا روحی و به آزادی اخلاقی یا معنوی او؛

ج: هر گونه تعرض به شهرت و شرافت او؛

د: هر گونه تفسی مضری که از گفته ها و اعمال او بشود؛

ه: افشای بی موقع امور ناراحت کننده مربوط به زندگی خصوصی او؛

و: استفاده از اسم، هویت و عکس او؛

ح: هر گونه فعالیت به منظور جاسوسی در باره او، در کمین نشستن او، او را تحت نظر قرار دادن و عرصه را بر او تنگ کردن؛

ط: توقیف مکاتبات او؛

ی: استفاده سوء از مخابرات کتبی یا شفاهی او؛

ک: افشای اطلاعاتی که او داده یا گرفته، بر خلاف قاعده حفظ اسرار مربوط به شغل و حرفه (متین دفتری، ۱۳۴۸: ۱۱۳-۱۱۲).

۴. مبانی شناسایی حق خلوت

مبانی شناسایی و حمایت از حق خلوت شهروندان را در جامعه میتوان در چهار بند مورد اشاره قرار داد:

الف: کمک به رشد و کمال شخصیتی؛

ب: محدود نمودن ماهیت توسعه طلب و مداخله گر دولت؛

ج: مصلحتهای جرمشناسی؛

د: حفاظت در برابر پیشرفت تکنولوژی.

۵. جلوه های گوناگون حق بر خلوت

الف: **حریم خصوصی بدنی:** این جنبه از خلوت قدیمی ترین جلوه شناخته شده حریم خصوصی است. در ادبیات دینی اولین دغدغه آدم و همسرش خواه پس از خوردن میوه ممنوعه پوشیدن بدن است (اعراف، ۲۲) «فدلاهما بغرور فلما ذاقا الشجرة بدت لهما....» ترجمه: پس شیطان آن دو را با فریب و حيله به سقوط کشاند؛ پس چون از آن درخت چشیدند زشتی برهنگی شان برای آنان آشکار شد و به چسپاندن برگ درختان بهشت بر خود پرداختند و خداوند....)

اصولاً مفهوم خلوت پیوند نزدیکی با مفهوم شرم و آزرَم دارد. با توجه به فطری بودن مفهوم شرم و آزرَم لزوم مصون بودن بدن از پاره یی مداخلات از دیر باز مورد توجه بشر بوده است.

ب: **حریم خصوصی روانی:** حق فرد بر تمامیت جسمانی در معنای عام، حق او بر اندیشه و روان را

هم در بر میگیرد. شناسایی حق بر حریم خصوصی روانی، پیوند نزدیکی با حق بر آزادی اندیشه و عقیده دارد. این به دلیل ارتباط میان حریم خصوصی فرد با استقلال و خود مختاری او است. میتوان گفت حریم خصوصی روانی بیشترین ارتباط را با خود مختاری فرد دارد. مداخله در حریم خصوصی میتواند در قالب تحمیل فکر و اندیشه خاص به فرد یا تفتیش عقاید وی صورت گیرد. به ویژه تحمیل عقیده، فروکاستن شأن انسان به شیء ایزاری است که بدون هیچ کنشی باید ویژگی خاصی را از سر اجبار و تحمیل پذیرد (نوبهار، ۱۳۸۷: ص ۲۴۶).

ج: مبانی حق حریم خصوصی

حریم خصوصی، بخشی از حیات شخصی و خانوادگی انسان محسوب میشود که جدا از عرصه عمومی، اجتماعی و رسمی است. لذا اساس آن، مبتنی بر حمایت از آزادی و استقلال فردی، حمایت از آبرو و حیثیت افراد و حمایت از نیازهای فطری انسان به مسایل شخصی و خصوصی است. برای روشن شدن مطلب، این موارد بررسی میشود:

۱- حمایت حریم خصوصی از آزادی و استقلال فردی

حریم خصوصی، نه تنها از آزادی و استقلال افراد در برابر هموعان خود و رسانه ها حمایت میکند؛ بلکه وسیله یی است برای دفاع از آزادی و امنیت فردی در برابر دولت. در تعریف حریم خصوصی، بیان شده قلمرو حریم خصوصی به گونه یی است که افراد مایل نیستند دیگران بدون رضایت آنها به آن وارد شوند؛ بنا براین، حریم خصوصی با آزادی و استقلال انسان و حق تعیین سر نوشت خود و در یک کلام، با دفاع از کرامت انسانی، ارتباط تنگاتنگی دارد. حریم خصوصی فضای لازم را برای رشد و تکامل شخصیت افراد فراهم میآورد و به تعبیر «دیوان اروپایی حقوق بشر» به تکریم تمامیت مادی و معنوی انسان مینجامد و به انسانها امکان میدهد که فارغ از فشارها و ملاحظات و محذورات بیرونی مختلف، برای خود، خلوت و تنهایی و آرامش و امنیت خاطر داشته باشند و در آن عرصه ها با تعقیب اهداف و غایات کاملاً خصوصی و خالصانه، درجات مختلفی از صمیمیت را مطابق میل خود با دیگر هموعان برقرار کنند و به ویژه در عرصه ابراز عواطف و احساسات شخصیت خود را شکوفا سازند. به انسانها اجازه میدهد تا در خلوتهای ذاتی یا قرار دادی افکار و اعمال خود را مورد محاسبه قرار دهند و دور از چشم و گوش و نظارت انسانهای دیگر، فارغ از هر گونه بازی و ریاکاری، اصالت و صداقت خود را دست کم در مورد خویشتن ارزیابی کنند.

۲- حمایت حریم خصوصی از آبرو و حیثیت افراد

دراعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی حمایت از حق حریم خصوصی و لطمه نزدن به آبرو و حیثیت افراد در یک ماده واحد و ملازم با یکدیگر ذکر شده اند. چرا که در بسیاری از موارد افشای امور خصوصی افراد، آبرو و حیثیت آنها را به مخاطره میندازد. انسانها غالباً عیبا و خطاهای خود را از دیگران پنهان میکنند. در بسیاری از موارد، چون این خطاها در عالم خلوت و دور از انظار واقع میشوند و غالباً به امور عمومی ربط ندارند، انسانها حق دارند تا آنها را از اشخاص دیگر پنهان سازند. جامعه نیز غالباً نفع مشروعی در دانستن عیبا و لغزشهای افراد ندارند؛ بنا بر این تا وقتی که ضرورت مبرم اجتماعی ایجاب نکند، باید از افشای امور خصوصی و مکتوم افراد امتناع شود و حریم خصوصی در صدد است چنین هدفی را بر آورده سازد.

د: مبنای حقوقی حریم خصوصی

۱- تفکیک زندگی عمومی و زندگی خصوصی: حیات و رفتار فرد به دو حوزه عمومی و خصوصی تقسیم میشود. این اصل به عنوان یکی از اصول مشترک در تمام نظریه های لیبرال دموکراسی معرفی شده است (پولادی، ۱۳۹۱: ص ۱۱۸). بر مبنای این تقسیم احکام این دو نوع زندگی کاملاً متفاوت است؛ مثلاً حوزه خصوصی کاملاً از مداخله دولت مصونیت دارد؛ درحالی که در این حوزه ممنوعیت مطلق و بدون قید و شرط وجود دارد. در حیطه عمومی این مداخله میتواند در شرایطی مجاز باشد. در باره این تقسیم و آثار مترتب بر آن مسایل مهمی وجود دارد که توجه به آنها ما را به ابهامات این مبنا نزدیک میکند.

مرز شناسی: تمیز و تفکیک این دو قلمرو کار آسانی نیست. برای این که تفکیک به معیار و ضابطه یی نیاز داریم که مشخص کند چه رفتاری عمومی تلقی میشود؟ ادعا این است که فعالیتها و رفتارهایی که به دیگران ضرر نمیرساند، در قلمرو خصوصی قرار میگیرند و در باره آنها حق ویژه فردی و نه انتخاب جمعی دموکراتیک حاکم و نافذ خواهد بود و هرگونه مداخله اجباری ممنوعیت مطلق دارد (لوی، ۱۳۸۰: ص ۱۶۱).

تأثیر گذاری حیطه خصوصی و عمومی بر یکدیگر: آیا میتوان برخی از رفتارها و تصمیمها را چنان خصوصی دانست که بر دیگران تأثیر نداشته باشد؟ پاسخ این سوال منفی است؛ از این رو میل تلاش میکند که میان اعمالی که مستقیماً بر منافع دیگران تأثیر میگذارد با اعمالی که به طور غیر مستقیم اثر دارد، تفکیک کند. او تأثیرات غیر مستقیم را ضرر نمیداند؛ ولی واقعاً میان تأثیرات مستقیم

و غیرمستقیم بر منافع فرد از لحاظ نظری چه تفاوتی وجود دارد؟ و چگونه میتوان این تفاوت را توجیه کرد؟ اگر حیات جمعی فرایندی از همان علایق، سلاقی و رفتارهایی است که زندگی خصوصی را تشکیل میدهد؛ پس چگونه میتوان این تأثیرات را در چار دیواری زندگی خصوصی محدود دید؟ آیا شخصی ترین امور مانند عقده بیشترین سهم را در حیات اجتماعی ندارد؟ و آیا به دلیل درهم تنیدگی مسایل فردی و اجتماعی، خصوصی و عمومی، چنان نیست که بسیاری از رفتارهای انسانی را در یکی از این دو رخش نمیتوان جاداد. چرا که به گونه یی در هر دو قلمرو قرار دارند؛ مثلاً داشتن فرزند امری کاملاً خصوصی برای پدر و مادر است؛ ولی به دلیل دخالت آن در بحران جمعیتی، دارای وجهه اجتماعی است. ازدواج نیز یک امر خصوصی به شمار میآید. در بسیاری از مسایل اجتماعی تأثیر چشمگیر دارد. بر این اساس مرز بندی میان خانه و بیرون خانه، یک مرزبندی واقعی و یا فیزیکی نیست؛ بلکه بیشتر جنبه تحلیلی دارد (محمدی، ۱۳۷۹: ص ۱۶۴).

گذار به مفهوم دیگری از عمومی و خصوصی

در آغاز دوگانگی این دو حوزه بر مبنای فعالیت یا اختیار حکومت بود، و آنچه قرار داشت خصوصی نامیده میشد؛ از این رو «خصوصی» هم حوزه مسایل شخصی و هم روابط شخصی، و هم حوزه فعالیتهای اقتصادی را شامل میشد. با این تمایز عمومی و خصوصی با حکومت و جامعه مدنی که در قرن هجدهم و نوزدهم مطرح شد، تداخل پیدا کرد؛ زیرا جامعه مدنی حوزه یی مرکب از افراد معمولی و سازمانهای تعریف شده یی قانونی بود که متمایز از حکومت، اداره و تنظیم میشد؛ ولی با افزایش نقش حکومتها در تنظیم و تعدیل فعالیتهای اقتصادی، حوزه خصوصی به شدت لرزان شد؛ پس از آن این دوگانگی، قلمرو دیگری پیدا کرد، حوزه یی که قابل رویت و مشاهده بوده و در برابر دیگران واقع میشد عمومی نام میگرفت و حوزه یی که غیر قابل رویت بوده مخفیانه اتفاق میفتد، خصوصی است؛ مثلاً مطلبی که علناً اعلام میشود، عمومی است و اگر همان مطلب را شخصی به شکل محدود یا محرمانه در اختیار دیگری قرار دهد خصوصی است. در این تلقی رویت پذیری ملاک عمومی بودن است؛ ولی این رویت پذیری دستخوش تغییر و تحول شده است (تامپسون، ۱۳۸۰: ص ۱۴۸) مرزبندی عمومی و خصوصی را به هم ریخته است. در گذشته، برای عمومی شدن یک موضوع اجتماع و حضور عده یی از مردم در یک مکان لازم بود تا از طریق دیدن واقعه و حس کردن آن امکان فراگیر شدن آن وجود داشته باشد؛ ولی با پیدایش رسانه های ارتباطی و از زمانی که

چاپ ظهور کرد شکل جدیدی از عمومیت متولد شد؛ سپس با ورود رسانه های الکترونیکی، به طور کلی مرزها میان زندگی عمومی و خصوصی دچار تغییر شد و عمومیتی غیر وابسته به مکان و بی نیاز از آن خود را نشان داد. در نتیجه آنکه توجه به تعریفها مختلف حوزه خصوصی و عمومی و جایگاه هر کدامی از آن تعریفها، هر چند برای شفاف شدن مباحث و پرهیز از اختلاط دیدگاه ها ضروری است؛ ولی این اختلافها نباید ما را در تبیین مفاهیم دوچار سر در گمی کند؛ زیرا این امکان وجود دارد که بر مبنای هر تعریف خاص به بحث پرداخته و آثار و احکام آن را مورد بررسی قرار دارد؛ مثلاً اینکه جامعه مدنی در قلمرو خصوصی یا عمومی قرار دارد. به زاویه دید ما بستگی دارد و مانعی نیست که آن را از جهتی خصوصی و از جهت دیگر عمومی بدانیم.

«جامعه مدنی» یک حوزه خصوصی دانسته شده است که افراد «منافع خصوصی» خود را دنبال میکند برخلاف «دولت» که در ذات «عمومی» شمرده میشود؛ ولی در طرفی دیگر خانواده یک امر خصوصی و جامعه مدنی عمومی است. خانواه به دلیلی که دسترسی به فضای فیزیکی و عاطفی آن محدود است و اطلاعات در باره آن نیز به همان اندازه محدود است، خصوصی است؛ در حالی که جامعه مدنی حوزه کنش متقابل معقولانه بوده و چون دسترس پذیر است، عمومی است (چاندوک، ۱۳۷۷: ص ۱۷۶).

د: مبنای فلسفی حریم خصوصی

اصالت فرد: در ساختمان فکری لیبرالیزم، اصالت فرد سنگ بنای اجزای دیگر شمرده میشود. لیبرالیزم از فرد گرایی عزیمت میکند و به ارزشهایی مثل آزادی و تساهل میرسد؛ سپس برای تضمین این ارزشها، به نهاد های سیاسی از قبیل حکمیت قانون و تفکیک قوا منتهی میشود؛ بدین ترتیب باید «حریم خصوصی» را در چنین منظومه فکری جست و جو کرده تا «مبادی» و «نتایج» آن مشخص گردد.

مبانی هستی شناسی: اصالت فرد تقدم بر جامعه؛

آموزه ها و ارزشها: آزادی فردی، مدارا و آزادیهای اساسی؛

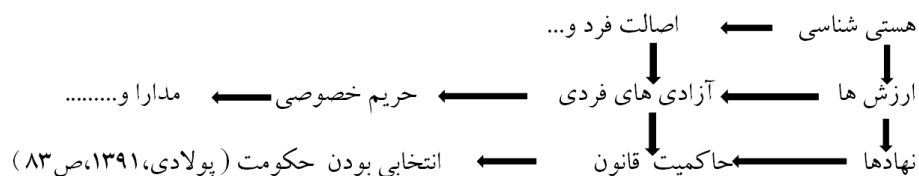
روشها و نهاد ها: حاکمیت قانون، انتخابات و تفکیک قوا.

در این منظومه «حریم خصوصی» در ردیف دوم قرار دارد و از «آزادی فردی» نشأت میگیرد. البته مانند دیگر آموزه ها و ارزشهای لیبرالی مبتنی بر «اصالت» فرد است.

فرد گرایی که در اینجا پشتوانه حریم خصوصی است، به معنای آن است که فرد مقدم بر جامعه بنیادی تر از آن و واقعی تر از آن است.

دیدگاه ها و نظریات اسلام در برابر دیدگاه فردگرایانه لیبرالیزم، با دشواری همراه است، این دشواری بیشتر ناشی از آن است که نه لیبرالها بر تفسیر یگانه یی از فرد گرایی توافق دارند و نه متفکران اسلامی برداشت یکسانی از نظریه اسلامی دارند. در نزد برخی از آنها مانند استاد مطهری «جمع گرایی» قوت بیشتری دارد؛ زیرا «افراد» هر چند با سرمایه فطری وارد زندگی اجتماعی میشوند؛ ولی روحاً در یکدیگر «ادغام» میشوند و «هویت جدیدی» می یابند و در اثر تأثیر و تأثر افراد در جامعه واقعیت جدید و زنده یی پدید می آید (مطهری، بی تا: ص ۳۳۹)؛ ولی نزد برخی از اندیشمندان اسلامی، جامعه وجود حقیقی و شخصیت مستقل ندارد، و طبعاً حقوق و مصالح و منافع نیز ندارد. آنچه به این نامها نامیده میشود، از آن «اکثریت افراد» است (آربلاستر، ۱۳۷۷: ص ۵۵ و ۶۴). با همه این اختلاف نظر ها توجه به نکات ذیل در روشن شدن فضای بحث مفید خواهد بود:

الف: در نظریه اسلامی هر تقریری که از اهمیت جامعه و اصالت آن پذیرفته شود؛ به هر حال، اصالت فرد را به کلی نمیتوان نادیده گرفت. اینکه انسان دارای فطریات فردی است و این فطریات سرمایه انسانی را تشکیل میدهد و به طور کلی زایل شدنی نیست و در خیالات جمعی حل نمیگردد.



(مطهری، ج ۲، ص ۳۴۸).

ب: فرد گرایی در نظریه اسلامی به دلیل آنکه با اصالت فطرت و گرایش به سوی یک سلسله ارزشهای متعالی همراه است، با بسیاری از نظریات فردگرایانه لیبرالی ناسازگار است؛ از سوی دیگر این گونه فرد گرایی توحیدی، به دلیل آنکه فرد را برخوردار از مقام خلافت الهی میداند با تسلیم در برابر اراده خداوند و خواست او در تضاد نمیینند.

ج: برخی از دیدگاه هایی که از سوی نویسندگان مسلمان در این باره ارائه میشود و به عنوان اسلام عرضه میشود چندان مبهم و چند پهلوست که بر همه نظریات رقیب قابل انطباق است؛ مثل مطلب ذیل. «اسلام به جانب افراط و تفریط نمیگراید و معتقد نیست که بر آمدن خواستها و نیاز های فرد، یگانه هدف زندگی اجتماعی است و در برابر هرگونه تسلط دولت بر حمایت اجتماعی و اقتصادی

افراد مقاومت شود و گردش نظام اقتصادی خالی از هرگونه اجبار باشد؛ از سوی دیگر اعتقاد ندارد که باید کارکرد فرد کاملاً محدود شود. اسلام در عین حال که سلطه و هدایت دولت را یکسره نفی نمیکند؛ بلکه در مواردی لازم میدانند، خواهان حفظ درجاتی از آزادی فرد نیز هست؛ بدین سان هم آزادی کامل فرد را محکوم میکند و هم قدرت مطلق دولت را» (مصباح یزدی، ۱۳۶۸: ص ۴۳).

خود مختاری

یکی از وجود فرد گرایی نوین «خود مختاری» بشر است. البته خود مختاری نیز در فلسفه سیاسی امروز، مفهوم تازه‌ی پیدا کرده است. در گذشته این واژه وصفی برای «دولتها» قرار میگرفت و دولت مختار دولتی بود که زیر سلطه بیگانه قرار نداشت و از استقلال برخوردار بود؛ ولی امروز خود مختاری وصف «فرد» است و این تعبیر به خصوص در ادبیات کانت، کاربرد بسیاری دارد. برخی فیلسوفان آن را مبنای دموکراسی دانسته و به این وسیله در صدد حل معمای حاکمیت و فرمانبرداری برآمده‌اند و از نظر آنان وقتی شهروندان در وضع قانون و اجرای آن دخالت داشته باشند، در حقیقت از «خود» اطاعت کرده و خود مختاری شان حفظ شده است؛ ولی برخی فیلسوفان دیگر هم به دلیل آنکه خود مختاری را نقطه مقابل قانون پذیری دانسته‌اند، نفی کرده‌اند. آنان خود مختاری را مستلزم آثار شیزم معرفی میکنند (لیپت، ۱۳۸۸: ج ۲، ص ۶۶۱). برای قضاوت روشن تر در باره این موضوع، ابتدا باید در باره مفهوم «خود مختاری» تأمل کرد و سپس دید که برای آن چه استدلال وجود دارد. خود مختاری مفهومی است که بیشتر معطوف به «جنبه های سلبی» است؛ یعنی نفی عواملی که از بیرون و حتی از درون، نمیگذارد افراد آن گونه که خود انتخاب میکنند، زندگی کنند، این عوامل میتوانند موانع فیزیکی محدودیتهای قانونی یا باز دارنده یی روانی و جسمی باشند؛ ازین رو وضعیت کسانی که نمیتوانند بر طبق تصمیمهای خود، اقدام کنند، «خود مختاری» نیست؛ مثلاً محدودیتهایی که به فرد در اثر معلولیت جسمی شدید، تحمیل میشود و جلو برخی از گزینه های مورد نظر او را در زندگی میگیرد، قلمرو خود مختاری او را تنگ میکند؛ زیرا اگر فرد به دلیل فقر و نداری همه تلاش خود را صرف سیر کردن شکم خود و خانواده اش کند و از انتخابهای دیگرش بازماند در تنگنای خود مختاری قرار دارد.

نتیجه

حریم خصوصی بخشی از حیات شخصی و خانوادگی انسان محسوب میشود که جدا از عرصه عمومی اجتماعی رسمی است. لذا اساس این حریم، مبتنی بر حمایت از آزادی و استقلال فردی، حمایت از آبرو و حیثیت افراد و حمایت از نیازهای فطری انسان به مسایل شخصی و خصوصی است. توجه به حریم خصوصی یکی از اساسی ترین مصادیق حقوق بشر است که از توجه به شأن و منزلت

انسانی و ارزشهای مبتنی بر انواع آزادیها نشأت گرفته است. حریم خصوصی نه تنها از آزادی و استقلال افراد در قبال هموعان خود و رسانه ها حمایت میکند؛ بلکه وسیله یی است برای دفاع از آزادی و امنیت فردی در برابر دولت. همچنین قلمرو حریم خصوصی به گونه یی است که افراد مایل نیستند دیگران بدون رضایت آنها به آن وارد شوند؛ بنا بر این احترام گذاشتن به حریم خصوصی افراد به منزله ییکی از اصول اولیه شهروندی ضروری است. این حریم، خصوصی ترین بخش زندگی افراد است که باید توسط سایرین نیز درک شده و مورد احترام قرار گیرد. هیچ کس اجازه ورود به حریم خصوصی دیگران را ندارد و تعرض به آن تخلف و قانون شکنی محسوب میشود؛ زیرا حریم خصوصی به عنوان یک حق واقعی است که نخست، حق افراد را به آزاد بودن از مداخله دیگران در انتخاب داشتن مقداری اطلاعات در مورد خود که غیر قابل دسترسی برای دیگران است تبیین میدهد.

مآخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- آربلاستر، آتونی. (۱۳۷۷). *لیبرالیسم غرب*. ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر مرکز.
- ۳- انصاری، باقر. (۱۳۸۶). *حقوق حریم خصوصی*. تهران: نشر سمت.
- ۴- استون، فردیناند. (۱۳۸۸). *نهادهای اساسی حقوق ایالات متحده آمریکا*. ترجمه حسین صفایی. تهران: جنگل.
- ۵- تامپسون، جان ب. (۱۳۸۰). *رسانه ها و مدرنیته*. ترجمه مسعود واحدی. تهران: سروش.
- ۶- پولادی، کمال. (۱۳۸۳). *تاریخ اندیشه سیاسی در غرب، قرن بیستم*. تهران: نشر مرکز.
- ۷- چاندوک، نبرا. (۱۳۷۷). *جامعه مدنی و دولت*. ترجمه فریدون فاطمی. تهران: نشر مرکز.
- ۸- سروش، محمد. (۱۳۶۹). *مبانی حریم خصوصی بر اساس منابع اسلامی*. تهران: سمت.
- ۹- لیپت، سیمور مارتین. (۱۳۸۳). *دائرة المعارف دموکراسی*. ترجمه کامران فانی و نورالله مرادی. تهران: کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه.
- ۱۰- لوین، اندرو. (۱۳۸۰). *نظریه لیبرالیسم دموکراسی*. ترجمه سعید زیباکلام. تهران: سمت.
- ۱۱- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۶۸). *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۱۲- مطهری، مرتضی. (بی تا). *مجموعه آثار*. ج ۲. تهران: صدرا.
- ۱۳- محمدی، مجید. (۱۳۷۹). *راه دشوار اصلاحات*. تهران: جامعه ایرانیان.

- ۱۴- متین، دفتری احمد. (۱۳۴۸). **حقوق بشر و حمایت بین المللی آن**. بی جا: بی نا.
- ۱۵- معین، محمد. (۱۳۸۲). **فرهنگ معین**. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ۱۶- نوبهار، رحیم. (۱۳۸۹). **حمایت حقوق کیفری از حوزه های عمومی و خصوصی**. قم: نشر حوزه علمیه.
- ۱۷- نیس بام، هلن. (ب.ت). **حمایت از حقوق خلوت آدمین در عصر ارتباطات**. ترجمه عباس ایمانی. مجله پژوهشهای حقوقی، ش ۲.